

Pathology of Higher Education Spatial Planning in Iran; the First Step of Regional Governance

Davood Ghoroneh^{1*}, Akbar Heydari Tashekaboud² & Fatemeh Sanacipour³

1. Assistant Professor of Higher Education Management, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
2. Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
3. M.Sc. in Executive Management, Khorasan Institute of Higher Education and Research, Mashhad, Iran

Received: 23, Sep. 2019

Accepted: 15, Dec. 2019

Abstract

Iran's higher education has grown significantly in recent years. But on the other hand, the downturn in the job market of university graduates and the lack of regional capacity has led to a growing focus on regional planning and governance in higher education. Studies of Iranian higher education Spatial Planning have been conducted in several stages over the past decades, but have failed to provide a basis for planning higher education development in Iran. The purpose of this study was to determine the pathology of higher education spatial planning in Iran by using a descriptive-analytical approach and document-library study method. For this purpose, using systematic review method, firstly, reports, results of research and experiences were studied. Then, using the interpretive analysis method, we tried to identify and categorize the damages in the spatial planning of higher education. The results show that the most important disadvantages are: changes in study approach, cultural issues, partisanship, quantification, centralization, political influence, positivist view of policymakers and executives, and a lack of a practical framework for design and implementation. Higher education spatial planning can play an important role in improving regional governance, while providing opportunities for sustainable scientific development through optimal use of the country's regional comparative capacities and advantages.

Keywords: Higher Education, Spatial Planning, Regional Advantages, Regional Governance.

* Corresponding Author: d.ghoroneh@um.ac.ir

آسیب‌شناسی آمایش آموزش عالی در ایران؛ اولین گام حکمرانی منطقه‌ای

داود قرونه^{۱*}، اکبر حیدری تاشه‌کبود^۲ و فاطمه ثنائی‌پور^۳

۱. استادیار، مدیریت آموزش عالی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. استادیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. کارشناسی‌ارشد، مدیریت اجرایی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش صنعت آب و برق خراسان، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱

چکیده

آموزش عالی ایران طی سال‌های گذشته از رشد کمی قابل توجهی برخوردار بوده است. اما از سوی دیگر، رکود در بازار کار دانش‌آموختگان دانشگاهی و فقدان بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای باعث توجه هرچه بیشتر به مقوله آمایش و حکمرانی منطقه‌ای آموزش عالی شده است. مطالعات آمایش آموزش عالی ایران طی دهه‌های گذشته در چند مرحله انجام شده است اما نتوانسته مبنایی برای برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی کشور قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی آمایش آموزش عالی در ایران با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای انجام شده است. برای این منظور، با استفاده از روش مرور نظام‌مند، ابتدا گزارش‌ها، نتایج پژوهش‌های موجود و تجارب ثبت‌شده در این حوزه مورد مطالعه قرار گرفت. سپس، با استفاده از روش تحلیل تفسیری سعی شد آسیب‌های موجود در آمایش آموزش عالی کشور مورد شناسایی و دسته‌بندی قرار گیرد.

نتایج حاصل از تحلیل اسناد موجود نشان می‌دهد که مهم‌ترین آسیب‌های آمایش آموزش عالی کشور عبارت‌اند از: تغییر در رویکرد مطالعات، مسائل فرهنگی، بخشی‌نگری، کمی‌گرایی، تمرکزگرایی و تسلط نظام دیوان‌سالارانه مرکزی، تأثیرپذیری از جریان‌های سیاسی، دیدگاه اثبات‌گرایانه سیاست‌گذاران و مجریان، و فقدان چارچوب عملی در طراحی و اجرا. مطالعات آمایش آموزش عالی می‌تواند ضمن فراهم آوردن زمینه‌های توسعه علمی پایدار از طریق استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای کشور، نقش مهمی نیز در بهبود حکمرانی منطقه‌ای داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، آمایش فضایی، مزیت‌های منطقه‌ای، حکمرانی منطقه‌ای.

مقدمه

چالش‌ها مقدمه هر گونه اقدام در راستای پیاده‌سازی حکمرانی منطقه‌ای در آموزش عالی کشور محسوب می‌شود.

حکمرانی منطقه‌ای آموزش عالی

اصطلاح حکمرانی^۱ به معنی راهبری و هدایت کردن است. نظام حکمرانی امکان راهبری و هدایت کشور، سازمان یا نهاد را فراهم می‌آورد. همچنین حکمرانی به تصمیم‌هایی اطلاق می‌شود که انتظارها را تعریف می‌کند، قدرت را تفویض و عملکرد را مورد تأیید قرار می‌دهد [۱]. حکمرانی عبارت است از اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اجرایی به منظور اداره امور جامعه در تمامی سطوح و شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی می‌شود که از طریق آنها شهروندان و گروه‌ها منافع خود را اظهار می‌دارند، حقوق قانونی خود را اعمال می‌کنند، تعهدات خود را عملی و اختلاف‌ها را حل و فصل می‌کنند [۲]. علاوه بر این، حکمرانی عبارت است از اعمال اقتدار از طریق سنت‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی در راستای رفاه عمومی و مشتمل است بر:

۱. فرایند انتخاب، نظارت و جایگزینی حکومت‌ها؛
۲. ظرفیت تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب و اجرای خدمات عمومی؛
۳. احترام شهروندان و دولت به نهادهای هدایت‌کننده تعامل‌های اقتصادی و اجتماعی میان آنها [۳].

هنگامی که واژه حکمرانی برای بحث در خصوص حکومت و بخش عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد، منظور بنیان‌های نهادی اقتدار عمومی و تصمیم‌گیری است. در این وضعیت، حکمرانی شامل نهادها، نظام‌ها، قواعد بازی و سایر عواملی می‌شود که چگونگی ساختارمندی تعامل‌های سیاسی و اقتصادی، تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع را تعیین می‌کنند.

حکمرانی منطقه‌ای نیز به چگونگی مدیریت منطقه و رویه‌های مورد استفاده در مدیریت و برنامه‌ریزی منطقه‌ای اشاره دارد. حکمرانی منطقه‌ای مبتنی بر درک پویایی‌های

مدیریت آموزش عالی در سال‌های اخیر در مقیاس جهانی با میل به تولید ثروت و دانش تقاضامحور، در تبیین چالش‌ها و فرصت‌های حوزه آموزش عالی و با بهره‌گیری از روش‌های نوین، در نتیجه‌گیری هرچه مطلوب‌تر از آن تلاش کرده است. در این میان، مطالعات آمایش به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای نوین در عرصه مطالعات و مدیریت استراتژی، ضمن به چالش کشیدن رویکردهای سنتی در این حوزه، به رفع موانع موجود نیز پرداخته است و با تحلیل صحیح ابعاد موضوع، راهکارهای متناسب را به منظور تخصیص منابع کمیاب به خواسته‌های نامحدود آموزشی در حوزه‌های مختلف تبیین کرده است. در این راستا، توسعه آموزش عالی بر اساس آمایش سرزمین در واقع توزیعی منطقی از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در مناطق مختلف جغرافیایی، متناسب با نیاز آن منطقه است. این امر ضمن جلوگیری از هدررفت منابع، تخصصی کردن فضاهای دانشگاهی، مأموریت‌گرایی، پاسخ‌گویی به نیازهای منطقه و تلاش برای رفع آن نیازها را از اولویت‌های اساسی خود می‌داند. در مجموع، نگاه آمایش به آموزش عالی نگاهی است که این مقوله را در ارتباط با توسعه، بهره‌وری منابع و توزیع فضایی جمعیت و فعالیت می‌بیند و تا زمانی که آمایش وارد این مقوله‌ها نشود، فاقد جامعیت لازم است. در واقع تفاوت آن با بحث‌های صرف فلسفی و نظری در این است که جنبه کاربردی آن را در رابطه با مقوله توسعه کمی و کیفی بخش آموزش عالی به صورت توأمان مدنظر قرار می‌دهد. بدین ترتیب کمیت و کیفیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی، سهمی مضاعف در تولید ثروت و رویکرد مدرن به آموزش ایفا می‌کند. از آنجا که مطالعات آمایش آموزش عالی به دنبال استفاده بهینه از فضا و منابع منطقه‌ای و پاسخ‌گویی به نیازهای هر منطقه است، این مطالعات می‌تواند مبنای طراحی ساختاری مبتنی بر حکمرانی منطقه‌ای در حوزه آموزش عالی باشد. اما مطالعات آمایش آموزش عالی در ایران همواره با چالش‌های جدی مواجه بوده است. این چالش‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله مبانی نظری، الگوی مفهومی، طراحی، اجرا و کاربرد این مطالعات وجود داشته است. به نظر می‌رسد شناسایی و رفع این

مأموریت‌گرا شدن مؤسسه‌های آموزش عالی منطقه‌ای، حضور اعضای هیئت علمی در جامعه و صنعت برای آشنایی با نیازها و توانمندی‌های داخلی، هدایت پژوهش‌ها به سمت تقاضاهای ارائه شده از طرف دستگاه‌ها و نیازهای جامعه، توزیع متوازن مراکز آموزشی و پژوهشی در سطح استان به منظور بهبود وضعیت شهرستان‌های محروم، تعیین سهم مؤسسه‌های آموزش عالی استان در شکل‌دهی نظام علم و فناوری، تطبیق آموزش و پژوهش استان با زمینه‌های اولویت‌دار استان، همکاری و هم‌افزایی مؤسسه‌ها و نهادهای مرتبط در منطقه، و ایجاد پایگاه داده‌های آماری و سازوکارهای مستندسازی دانش فنی و علمی در منطقه [۵].

آمایش آموزش عالی

آمایش به معنی مدیریت سرزمین است و در واقع نوعی برنامه‌ریزی توسعه است که هدف آن سازماندهی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی به منظور تحقق آینده‌ای مطلوب است [۷]. در واقع، آمایش سرزمین یکی از فنون توسعه در مراحل نخستین آن است [۸]. آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی سرزمینی نوعی برنامه‌ریزی است که به سرزمین به عنوان عامل اساسی و تعیین‌کننده در تأمین اهداف توسعه توجه می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت آمایش سرزمین با هدف استفاده معقول از فضا و درک کامل ارزش آن برای عملکرد مؤثر اقتصادی انجام می‌گیرد و تقسیم کار سرزمینی یکی از جنبه‌های مهم آن است [۹]. ضمن اینکه آمایش نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت نیز است که سرزمین را عامل تعیین‌کننده در تأمین اهداف توسعه می‌داند. منظور از آمایش سرزمین رسیدن به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت، توسط بهترین شکل توزیع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در پهنه سرزمین است که امکان ارائه چارچوب توسعه را داراست و می‌تواند مبنای پایه اصلی در تهیه برنامه‌های توسعه منطقه‌ای یا استانی باشد [۱۰].

در حوزه آموزش عالی نیز هدف از آمایش سرزمین عبارت است از برنامه‌ریزی برای گسترش نظام‌مند و مأموریت‌گرا و ساماندهی مجدد مراکز آموزش عالی بر اساس اسناد بالادستی و با توجه به مزیت‌های نسبی مناطق مختلف جغرافیایی و نیاز کشور به تربیت نیروهای

یک منطقه در بافت کلان ملی است و موجب غیرمتمرکز شدن و استقلال در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای می‌شود [۴] و نوعی ساختار اقتدار غیرمتمرکز است که مبتنی بر ظرفیت‌های هر منطقه شکل گرفته است، بنابراین می‌تواند یکی از عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای باشد. در حوزه علم و فناوری نیز حکمرانی منطقه‌ای به معنی اشتراک‌گذاری مسئولیت طراحی و اجرای سیاست در بین سطوح مختلف اداری و منطقه‌ای نظام آموزش عالی است. در این مفهوم، دولت مرکزی نقش کلیدی خود را در ساخت چارچوب نهادی و تعریف راهبرد ملی حفظ می‌کند و به دنبال انسجام و اجتناب از تکرار بی‌فایده است. از طریق حکمرانی منطقه‌ای می‌توان به مسئله‌یابی و شناسایی روندهای توسعه علم و فناوری مرتبط با صنایع و مزیت‌های منطقه پرداخت [۵] و از ظرفیت‌های موجود در هر منطقه به نحو شایسته‌ای در راستای توسعه علم و فناوری بهره گرفت.

حکمرانی منطقه‌ای علم و فناوری مزیت‌هایی را برای نظام آموزشی عالی فراهم می‌کند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شناسایی اولویت‌های اساسی منطقه (چالش‌ها، نیازها و مزیت‌ها)؛
۲. تدوین نقشه راه فناوری‌های مورد نیاز منطقه؛
۳. رصد و ارزیابی نوآوری منطقه و جهت‌دهی آن؛
۴. حکمرانی شبکه‌ای افقی و عمودی از طریق روابط پویای دولت، صنعت، دانشگاه و جامعه؛
۵. شناسایی و تعیین نقش بازیگران منطقه‌ای در پیشبرد علم و فناوری؛
۶. بهبود بلوغ مدیریت علم و فناوری منطقه‌ای؛
۷. ایجاد انسجام، همگنی و هم‌افزایی میان ابزارهای نوآوری منطقه‌ای [۶].

همچنین، حکمرانی منطقه‌ای آموزش عالی از طریق راهبردهای مختلفی می‌تواند به مرحله اجرا درآید. مهم‌ترین این راهبردها عبارت‌اند از: تعیین نقش استان در تأمین فناوری متناسب با شرایط و اولویت‌های استان (مأموریت مناطق)، مسئله‌یابی نوآوری و فناوری در زمینه‌های اولویت‌دار، بهبود بلوغ مدیریت و نظارت بر پیشبرد اهداف علمی و فناورانه استانی متناسب با آن، ساماندهی آموزش عالی از طریق تجمیع و ادغام مؤسسه‌های آموزش عالی،

متخصص، متعهد و کارآفرین [۱۱ و ۱۲]. در نقشه جامع علم و فناوری کشور نیز رصد دایمی ظرفیت‌های محیطی و اقتضانات اجتماعی و تنظیم ظرفیت دانشگاه‌ها در مقاطع و حوزه‌های مختلف علمی متناسب با رتبه علمی آنها و نیازهای حال و آینده بر اساس اصول و ملاحظات آمایش سرزمین مورد تأکید قرار گرفته است. در این سند تصریح شده است که گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی باید به نتایج مطالعات آمایش وابسته باشد. به عبارت دیگر، وابستگی آموزش عالی به نقشه عالمانه‌ای برای توسعه، لزوم مطالعات آمایش در این بخش را روشن می‌سازد [۱۳]. آهنچیان و محمدزاده قمصر [۱۴] آمایش آموزش را تضمین توسعه متناسب آموزش در آینده در پهنه سرزمین و دستاوردهای آمایش در آموزش را شامل شش نتیجه گسترش مشارکت، ائتلاف اندیشه با مدیریت، خلاقیت، انطباق عملیات با آرمان، نظام‌مندی، انسجام و به‌روز بودن می‌دانند. آمایش آموزش عالی به عنوان بخشی محوری از طرح کلان آمایش سرزمین محسوب می‌شود. آمایش سرزمین برای تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا انجام می‌شود. بخش آموزش عالی دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند ضمن پیگیری اهداف اصلی خود یعنی ارتقای کیفیت سرمایه انسانی کشور، در ابعاد مختلف با جهت‌گیری‌های مناسب به ویژه در انتخاب مکان طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود در راستای تحقق اهداف آمایش سرزمین نیز عمل کند [۹].

نقش آمایش آموزش عالی در حکمرانی منطقه‌ای آموزش عالی

یکی از موضوع‌هایی که ارتباط بسیار نزدیک با حکمرانی منطقه‌ای دارد، موضوع آمایش آموزش عالی است. مطالعات آمایشی با اهداف مختلف و از جمله برنامه‌ریزی و مدیریت منطقه‌ای و پیوند آن با برنامه‌های کلان ملی انجام می‌شود [۱۵]. بنابراین به منظور طراحی ساختاری مبتنی بر حکمرانی منطقه‌ای آموزش عالی، انجام مطالعات آمایش آموزش عالی ضروری است. به عبارت دیگر، نتایج مطالعات آمایش آموزش عالی به عنوان ملاکی برای امکان‌سنجی حکمرانی منطقه‌ای در نظام آموزش عالی کشور است.

مطالعات آمایش آموزش عالی با هدف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه آموزش عالی و ارتباط آن با برنامه‌های توسعه ملی انجام می‌شود. سیاست‌گذاری در بخش آموزش عالی در دو سطح درون‌بخشی و فرابخشی صورت می‌گیرد. سطح درون‌بخشی به سیاست‌های درون نظام آموزش عالی برمی‌گردد که آمایش آموزش عالی می‌تواند در بهبود این سیاست‌ها نقش ایفا کند. اما سطح فرابخشی به ارتباط نظام آموزش عالی با سایر نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه اشاره دارد. به طبع هرچه تعامل و ارتباط بهتر و اثربخش‌تری بین نظام آموزش عالی و سایر نظام‌ها وجود داشته باشد، به نحو بهتری می‌تواند به توسعه منطقه‌ای کمک کند. آمایش آموزش عالی با مطالعه ظرفیت موجود در مناطق مختلف سرزمین می‌تواند هم به سیاست‌گذاری در بخش آموزش عالی و توسعه متوازن آن کمک کند و هم به ارتباط نظام آموزش عالی با سایر نظام‌های جامعه و توسعه ملی یاری رساند.

در ایران، نابرابری و فقدان تعادل فضایی بین سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی یکی از مسائل مهم مقوله توسعه بوده است و این چالش در حوزه توسعه آموزش عالی نیز همواره وجود داشته است. توسعه و گسترش فعالیت‌های آموزش عالی در هر منطقه‌ای با ایجاد و تأسیس دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی و به نوعی طرح سرمایه‌گذاری اثرگذار صورت می‌پذیرد. روش صحیح این سرمایه‌گذاری ایجاب می‌کند که مبتنی بر مطالعات آمایش آموزش عالی صورت گیرد. پس مقدمه هر برنامه توسعه آموزش عالی، انجام آمایش آموزش عالی است. از طرف دیگر، این برنامه باید در تعامل با طرح‌های کلان توسعه و آمایش سرزمین صورت گیرد. زیرا این فعالیت در بلندمدت می‌تواند به تعادل در پراکندگی جمعیت در نواحی مختلف کشور منجر شود. ولی در صورتی که در قالب طرحی مجزا و بدون ارتباط با سایر بخش‌ها انجام گیرد حتی می‌تواند موجب افزایش بی‌رویه جمعیت شود و تعادل جمعیت را دچار اختلال سازد. زیرا به عنوان مثال، تأسیس دانشگاه در محلی علاوه بر افزایش فعالیت‌های آموزشی و اداری وابسته به این فعالیت‌ها، باعث رونق و گسترش بسیاری از مشاغل تولیدی و خدماتی در آن محل و در نتیجه باعث هدایت سرمایه‌ها

دانشگاه نقش بسیار حیاتی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملی و منطقه‌ای دارد.

توسعه آموزش عالی منطقه‌ای مبتنی بر مطالعات آمایش آموزش می‌تواند به مأموریت‌گرایی مؤسسه‌های آموزش عالی و پرهیز از اتلاف منابع ملی منجر شود. از دیگر مزایای حکمرانی آموزش عالی مبتنی بر مطالعات آمایش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: توسعه متوازن و متعادل منطقه‌ای و مبتنی بر عدالت اجتماعی، شناخت و استفاده بهینه از توانمندی‌ها و قابلیت‌های مناطق، تحلیل وضعیت موجود و شناسایی وضعیت مطلوب پراکندگی رشته‌های دانشگاهی، برنامه‌محوری در توسعه آموزش عالی منطقه در تعامل با سایر صنایع منطقه‌ای و ملی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و تضمین عدالت اجتماعی، پرهیز از هدررفت منابع استانی در رشته‌ها و فعالیت‌های علمی غیر مرتبط [۱۰]. بنابراین اولین مرحله حکمرانی منطقه‌ای آموزش عالی انجام آمایش آموزش عالی است اما مطالعاتی که به منظور آمایش آموزش عالی کشور انجام شد، همواره دارای آسیب‌هایی بوده است. این پژوهش به دنبال شناسایی آسیب‌های آمایش آموزش عالی ایران طی سال‌های گذشته است. به نظر می‌رسد شناخت و رفع این آسیب‌ها مقدمه برنامه‌ریزی حکمرانی منطقه‌ای است.

روش پژوهش

با توجه به هدف اصلی پژوهش که آسیب‌شناسی مطالعات و برنامه‌های آمایش آموزش عالی در ایران بوده است، در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل تفسیری به مطالعه اسناد، پژوهش‌ها و گزارش‌های موجود در حوزه آمایش آموزش عالی پرداخته شده است. چارچوب این مطالعه مرور نظام‌مند اسناد بوده است. نحوه انجام کار به این صورت بود که ابتدا بر اساس هدف پژوهش، تمام اسناد و مدارکی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در ارتباط با آمایش آموزش عالی کشور وجود داشته است (از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۹۸) مورد شناسایی قرار گرفت. سپس آسیب‌های مرتبط با هر یک از آنها به تناسب در چهار حوزه رویکرد و مبانی نظری، طراحی، اجرا و کاربرد مورد بررسی قرار گرفته است. در

از سایر مناطق به آن منطقه می‌شود. از طرف دیگر، تحقق اهداف برنامه‌ریزی آمایش سرزمین و حکمرانی منطقه‌ای نیز می‌تواند برآورده شدن اهداف بخش آموزش عالی را به همراه داشته باشد.

بر این اساس می‌توان گفت که ارتباط آمایش آموزش عالی و حکمرانی منطقه‌ای ارتباطی دوسویه است. در عین حال که فعالیت‌های آموزش عالی، اثرات مهمی بر اهداف آمایش سرزمین و حکمرانی منطقه‌ای دارد، برنامه حکمرانی منطقه‌ای نیز می‌تواند به صورت راهنمای تنظیم برنامه‌های توسعه آموزش عالی مؤثر باشد. آمایش و توسعه آموزش عالی بدون توجه به سیاست‌های حکمرانی منطقه‌ای امکان‌پذیر نیست؛ زیرا برنامه توسعه آموزش عالی ماکول به ملاحظه سایر مراجع اثرگذار مانند فرهنگ، تقاضای کسب‌وکار و انتظارات جامعه است. از طرف دیگر، حکمرانی منطقه‌ای بدون توجه و تکیه بر مطالعات آمایشی و به ویژه آمایش آموزش عالی با موفقیت و توسعه متعادل و پایدار همراه نخواهد بود. امروزه در مطالعات آمایش سرزمین در کنار پژوهش و بررسی درباره مقوله توسعه منطقه‌ای و ایجاد تعادل در رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا و انتخاب مکان طرح‌ها و پروژه‌ها برای سرمایه‌گذاری و حداکثر استفاده از قابلیت‌ها و امکانات سرزمین، ضرورت توجه به آمایش آموزش عالی بیش از گذشته احساس می‌شود [۱۰]. آموزش عالی و فعالیت‌های آن تأثیری انکارناپذیر در برنامه‌های آمایش سرزمین دارد و از طرف دیگر برنامه‌ها و طرح‌های آمایش سرزمین در تنظیم برنامه‌های آموزش عالی می‌تواند مؤثر باشد [۹]. دانشگاه نقش بسیار حیاتی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. برای اینکه دانشگاهی در راستای اصالت حرکت کند، شناخت وضعیت گذشته و موجود موقعیت‌های پیرامونی آن ضروری است [۱۱]. نظام‌های آموزش عالی همواره عامل بنیادی تکامل و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بوده‌اند. کشورهایی که خواهان توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدارند، ابتدا باید نظام‌های آموزش عالی، تحقیقات و فناوری خود را به طور متوازن و پایدار توسعه دهند. شرط لازم برای توسعه متوازن و پایدار نظام‌های آموزش عالی نیز شناخت آنها است [۱۶].

آخرین مرحله، موارد شناسایی شده به عنوان آسیب‌های اصلی آمایش آموزش عالی در کشور طبقه‌بندی شدند.

آسیب‌های آمایش آموزش عالی در ایران

نتایج حاصل از تحلیل اسناد موجود نشان می‌دهد که مهم‌ترین آسیب‌های آمایش آموزش عالی کشور را می‌توان در این مقوله‌ها طبقه‌بندی کرد: تغییر در رویکرد مطالعات، مسائل فرهنگی، تأثیرپذیری از جریان‌های سیاسی، دیدگاه اثبات‌گرایانه سیاست‌گذاران و مجریان، کمی‌گرایی، بخشی‌نگری، تمرکزگرایی و تسلط نظام بوروکراتیک مرکزی، فقدان چارچوب عملی برای طراحی و اجرای این مطالعات. در ادامه به توضیح بیشتر هر یک از آن موارد پرداخته می‌شود.

مطالعات آمایش آموزش عالی در ایران در چند دوره مجزا انجام شده است. رویکرد حاکم بر مطالعات در هر دوره نیز متفاوت بوده است. در مطالعات اولیه آمایش سرزمین، آمایش آموزش عالی کشور جایگاه چندانی نداشت. به عنوان مثال در طرح مطالعات گروه بتل^۱ که در ابتدای دهه ۱۳۵۰ با عنوان طرح جامع مطالعات توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور انجام شد، از نظام آموزش عالی صحبت زیادی به میان نیامده است. در مطالعات انجام شده توسط مهندسان مشاور ستیران (۱۳۵۴) نیز فقط به اهمیت فعالیت‌های بخش خدمات برای اشتغال و ارزش افزوده اشاره شده و رهنمود مشخصی برای توسعه آموزش و یا آموزش عالی ارائه نکرده است [۱۰]. مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران در دهه ۱۳۶۰ انجام و بخش آموزش عالی به عنوان یکی از فعالیت‌های بخش خدمات در این مطالعه معرفی شده است [۱۶]. در این مطالعات نیز اصول اولیه آمایشی رعایت نشده و فقط پیشنهاد ایجاد مراکز آموزشی عالی جدید در ۱۲ استان مطرح شده است. با ملاک‌های کمی مطرح شده در این طرح (ملاک جمعیت)، پیشنهاد شده بود که شهرهای دارای بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به آموزش عالی نیاز دارند. در نیمه اول دهه ۱۳۸۰ ضوابط اجرایی آمایش سرزمین به تصویب دولت رسید. در این سند به توسعه علوم، آموزش، پژوهش و

فناوری و نیز گسترش و تجهیز مراکز علمی تأکید شده است. برای اولین بار در این سند توجه به نیازهای ملی و منطقه‌ای و تکیه بر قابلیت‌ها و استعدادها بومی هر منطقه در راستای کاهش سهم منابع طبیعی و افزایش سهم دانش در تولید ملی مورد توجه قرار گرفته است. این اولین تجربه از توجه به حوزه آموزش عالی در مطالعات آمایش سرزمین بود اما مهم‌ترین آسیب این سند اجرایی نشدن مصوبه‌های آن است. هرچند مصوبه‌های این آیین‌نامه مبتنی بر مطالعات آمایشی و امکان‌سنجی منطقه‌ای نبود، ولی هیچ‌گاه به مرحله اجرا نیز گذاشته نشد و این طرح در برنامه چهارم نیز عملیاتی نشده است [۱۷]. طرح مستقل آمایش آموزش عالی کشور برای اولین بار در سال ۱۳۸۸ مطرح و به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی و کلان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با هدف توسعه هدفمند آموزش عالی دنبال شد [۶]. برخی از اهداف این طرح که در راستای حکمرانی منطقه‌ای مدنظر بود عبارت بودند از: متناسب‌سازی توسعه آموزش عالی با نیازهای استانی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد تناسب بین رشته‌ها و اهداف آموزش عالی، بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی متناسب با اهداف آموزشی عالی، ساختارسازی و ایجاد نهاد تضمین کیفیت و نظارت بر آموزش عالی، و اصلاح و به‌روزرسانی زیرساخت‌های مدیریت آموزش دانشگاه‌ها. آخرین دوره آمایش آموزش عالی در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طراحی شد و با هدایت ۲۹ دانشگاه مادر و با همکاری همه زیرنظام‌های آموزش عالی یا دانشگاه‌ها به مرحله اجرا درآمد [۱۷]. در این طرح قرار بود روند تغییرات جمعیت و فعالیت و تحولات آموزش عالی در عرصه‌های نیازهای علمی، آموزشی و پژوهشی کشور، جمعیت دانشجویی، اعضای هیئت علمی، فضای کالبدی و توزیع آن در استان‌ها، مناطق و کشور بررسی و با جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین منطبق شود. در این طرح آمایش آموزش عالی بنا بود مزیت‌های نسبی استان‌ها، مناطق و کشور شامل جغرافیا، نیروی انسانی، وضعیت اقتصادی و فرهنگی و همچنین مأموریت زیرنظام‌های آموزش عالی مورد بازنگری قرار گیرد و طرح جامع آموزش عالی بر اساس مطالعات آمایش تدوین و به مرحله اجرا گذاشته شود [۱۸]. این طرح جدی‌ترین فعالیت در زمینه

1. Battle Memorial Institute, Columbus, Ohio

همچنین مبتنی بر یافته‌ها و طرح‌های کلان آمایش سرزمین و اصول آن به ویژه برقراری آن با برنامه‌های توسعه آموزش عالی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این زمینه گفتمان علمی و عملی لازم ایجاد نشده است. ضمن اینکه همبستگی معناداری نیز بین توسعه آموزش عالی و توسعه کشور وجود ندارد [۱۹].

آسیب دیگر مطالعات آمایش از دیدگاه اثبات‌گرایانه سیاست‌گذاران و مجریان طرح‌های آمایش آموزش عالی ناشی می‌شود. در نتیجه این دیدگاه، نگاه سخت‌افزارانه و مکانیکی (مبتنی بر شواهد عینی و بر اساس آمار و ارقام) بر آمایش حاکم شده است و از تأثیر ساختارهای اجتماعی و غیرمادی بر نتیجه مطالعات آمایش غفلت شده است. از جمله مهم‌ترین آثار جانبی پیروی از رویکرد روش‌شناسانه و فلسفی اثبات‌گرایی، پذیرش پیش‌فرض‌های برنامه‌ریزی خطی است. در این نوع برنامه‌ریزی، روی کاغذ، جمعیت گروه سنی دانشگاهی پیش‌بینی می‌شود و به تناسب آن، روی تعداد مناسب استاد و سایر امکانات توافق به عمل می‌آید.

آسیب دیگری که اغلب مطالعات و گزارش‌های آمایش آموزش عالی کشور تاکنون به آن دچار بوده‌اند، بخشی‌نگری و محدودیت دید اعضای کمیته آمایش بوده است. این در حالی است که آمایش آموزش عالی باید از دید جامع‌نگر برخوردار باشد و در چارچوب توسعه فضایی منطقه و کشور انجام شود. از طرف دیگر، کمبود کارشناسان خبره به منظور انجام مطالعات آمایش آموزش عالی، اسناد بالادستی متعدد و گاه متضاد، محور قرار گرفتن مطالعات آمایش آموزش عالی و نتایج آن به عنوان محور تصمیم‌های مرتبط با توسعه آموزش عالی و در نهایت هماهنگی مطالعات آمایش آموزش عالی با مطالعات آمایش در سایر بخش‌ها از جمله مهم‌ترین آسیب‌های اسناد آمایش در کشور ما محسوب می‌شود. مطالعات آمایش آموزش عالی باید توسط متخصصان برنامه‌ریزی و توسعه آموزشی و آموزش عالی صورت پذیرد. اما تجربه طرح‌های آمایشی انجام شده در کشور نشان می‌دهد که مطالعات آمایش بیشتر از آنکه متأثر از رشته‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی باشد تحت تأثیر و نفوذ همه‌گیر اندیشه مهندسی و مدل‌های ریاضی قرار داشته است [۱۷].

آمایش آموزش عالی محسوب می‌شود و نسبت به سایر طرح‌های پیشین از نواقص کمتری برخوردار است، ولی از جنبه‌های مختلف نظری، نحوه طراحی و اجرا مورد نقد است.

یکی دیگر از آسیب‌های جدی وارد شده به مطالعات آمایش آموزش عالی در ایران از جنبه مسائل فرهنگی است. هرچند گرایش‌های سیاسی و تعصبات منطقه‌ای و قومی در همه جای دنیا می‌تواند بر نتایج واقعی برنامه‌ریزی‌های منطقه اثر بگذارد، اما شدت و ضعف آن از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است [۱۷]. در کشور ما، به طور معمول نتایج نهایی مطالعات آمایش آموزش عالی در کشور به صورت علمی و مستقل تدوین نمی‌شود و همواره تحت تأثیر فشارهای گروه‌های و افراد صاحب قدرت در منطقه قرار می‌گیرد. در سال‌های گذشته دانشگاه‌های متعددی بدون توجه به نیازهای درازمدت جامعه و امکانات و سطح کمی و کیفی آنها تحت تأثیر خواست و تمایل افراد یا گروه‌های ذی‌نفوذ تأسیس و گسترش یافته‌اند و دانشگاه‌های با سابقه نیز ظرفیت پذیرش خود را به طور نامتناسب افزایش داده‌اند. عمده این گسترش بی‌رویه آموزش عالی با فشارهای محلی و بدون برنامه‌های توجیهی و روشن بودن مأموریت آنها ایجاد شده است. این در حالی است که دست کم در سال‌های اخیر مطالعات آمایش آموزش عالی نیز انجام شده بود ولی در عمل چندان توجهی به این مطالعات نشده است و یا از آن به عنوان توجیهی برای گسترش بیش از پیش کمیت آموزش عالی استفاده شده است. مطالعات آمایش آموزش عالی همواره تحت تأثیر خواست و نظر افراد و گروه‌های صاحب نفوذ و قدرت ملی و محلی قرار داشته است. به دلیل فقدان دانش تخصصی و صلاحیت فنی مجریان طرح‌های آمایش آموزش عالی و در نتیجه قاطعیت نداشتن آنها در تصمیم‌گیری، نتایج مطالعات همواره تحت تأثیر نماینده یک زیرنظام آموزش عالی و یا نماینده یک شهر قرار داشته است [۱۷]. تأثیرپذیری برنامه‌های آمایش و توسعه آموزش عالی از جریان‌های کنترل‌کننده نظام دیوان‌سالارانه توسط مراجع مرکزی از دیگر آسیب‌های مطالعات آمایش آموزش عالی بوده است. برنامه‌ریزی و گسترش آموزش عالی بر اساس چارچوب‌های نظری و پارادایم‌های توسعه و

خلأهای فلسفی، روش‌شناختی و مفهوم‌پردازانه آمایش بوده است و گسست‌های عملی هم در دو سطح کلان و خرد مورد توجه قرار گرفته است. در سطح کلان، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیرپذیری برنامه‌های توسعه علم و فناوری از جریان‌های کنترل‌کننده نظام بوروکراتیک مرکزی بر محورهای پیوند آمایش بر سیاست‌های توسعه اثر می‌گذارد. در سطح خرد نیز مؤلفه‌هایی چون سرمایه انسانی خبره درگیر در آمایش، اعتبار و مرجعیت اسناد حامل سیاست‌های علم و فناوری و قابلیت استخراج دلالت‌های مربوط، عزم قرار دادن بنیان توسعه آموزش عالی بر مطالعات آمایش و تصمیم‌گیری قاطع در این باره، و کیفیت تفویض اختیار به کمیته‌های آمایش، از جمله عوامل مؤثر در گسست معرفی شدند. نتایج مطالعه ثمری و گرائی‌نژاد [۱۰] نیز نشان می‌دهد که نوع نگاه به فعالیت‌های آموزش عالی به عنوان یک بخش، در طرح‌های مطالعاتی آمایش سرزمین متفاوت بوده است. متولیان حوزه آموزش عالی و دانشگاه بر اهمیت موضوع آمایش در آموزش عالی تأکید می‌کنند، اما در کاربرد مفهوم توسعه، آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی اتفاق نظری وجود ندارد. دلیل اصلی این امر نیز کمبود مبانی نظری و ادبیات لازم در این زمینه و فقدان تعامل بین آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی است. توزیع نامتعادل و نامتوازن دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در دهه‌های قبل و در حال حاضر را می‌توان نمود بازار این موضوع دانست.

سرور و خلیجی [۱۵] برای مطالعات آمایشی در کشور چهار دسته چالش را در مورد آسیب‌ها شناسایی کردند:

۱. ساختاری: (سنتی بودن، بخشی‌نگری، توجه بیشتر به مؤلفه‌های اقتصادی تا مؤلفه‌های انسانی و فضایی، بی‌اعتقادی به آمایش، نبود تعریف سازوکار مناسب، برخوردار نبودن از نظریه مبنایی)؛
۲. محتوایی: (نبود بانک داده از اطلاعات سرزمینی، عمیق بودن نابرابری‌های منطقه‌ای، ضعف در نظام عقلانیت جوهری)؛
۳. مدیریتی: (حاکمیت اقتصاد نفتی و رانتی، مبتنی بودن نظام تخصیص بر چانه‌زنی، تمرکز بر آبادانی مکان تا رفاه انسان، کمبود متخصص آمایش، قطبی شدن توسعه به مرکزیت تهران و چند کلان‌شهر، وجود تعدد برداشت

آسیب جدی دیگری که در نتیجه تحلیل‌های انجام شده شناسایی شد مسئله تمرکزگرایی و تسلط نظام دیوان‌سالارانه مرکزی بر طرح‌های آمایش آموزش عالی بوده است. نتایج پژوهش معروفی و همکاران [۲۰] نشان می‌دهد اقدام‌هایی که در سال‌های اخیر انجام شده با الگوی مرکزمحوری همراه بوده و بیشتر در مراکز استان‌ها متمرکز شده و از توزیع مناسبی برخوردار نبوده است و حتی این مسئله در استان‌های مرکزی کشور نیز مشاهده می‌شود. بر این اساس، به جرأت می‌توان ادعا کرد که محوریت توسعه در ایران طی برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب با محوریت قطب‌های توسعه بوده و به توزیع و تخصیص بهینه منابع و امکانات کمتر توجه شده است.

پژوهش‌های دیگری نیز که در حیطه بررسی مطالعات آمایش آموزش عالی انجام شده‌اند، به نتایج کم‌وبیش مشابهی دست پیدا کرده‌اند. نتایج مطالعه مهرعلیزاده، کرد زنگنه و همایون‌نیا [۱۸] نشان داد که مطالعات آمایش آموزش عالی کشور در سال‌های گذشته با چالش‌هایی مواجه بوده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. چالش علمی و نظریه‌پردازی در حوزه دانشگاه و ماهیت آن؛
۲. چالش بخشی‌نگری به آمایش آموزش عالی؛
۳. چالش تعدد مراکز تصمیم‌گیری در حوزه آموزش عالی؛
۴. چالش مدیریتی و سیاسی نظام آمایش آموزش عالی (اختلاف سلیقه مدیران و موازی‌کاری‌ها)؛
۵. ناهماهنگی (و گاه تناقض) اسناد بالادستی؛
۶. تضعیف استقلال علمی به دلیل تمرکزگرایی در حوزه‌های مختلف؛
۷. چالش مشکلات مالی به واسطه سیاست‌گذاری دولتی؛
۸. چالش ضعف در نظارت و ارزیابی برای توسعه کمی و کیفی آمایش آموزش عالی؛
۹. چالش فقدان نهادی فرابخشی برای آمایش آموزش عالی.

نتایج پژوهش آهنچیان [۱۷] که با هدف واکاوی گسست در آمایش آموزش عالی و راهبردهای توسعه علم و فناوری کشور انجام شده است، دو دسته گسست نظری و عملی را در مطالعات آمایش آموزش عالی کشور شناسایی کرده است. در دسته گسست‌های نظری مواردی همچون

از اهداف آمایش)؛

۴. قانونی: (فقدان تعریف جایگاه قانونی برای آمایش، ضعف طرح و برنامه‌های آمایشی در ارائه الگوی کارآمد، وجود برنامه‌های توسعه پنج ساله، تقلیل آمایش به طرح‌های توصیه‌ای، وجود تجارب ناموفق و بی‌اعتمادی به مطالعات آمایش).

در مطالعات آموزش عالی که تاکنون در کشور انجام شده است (به ویژه مطالعات اخیر) به مسئله آموزش عالی از منظر برنامه‌ریزی راهبردی نگریسته شده است و کمتر به مسئله آمایش آموزش عالی به عنوان زیرمجموعه بحث کلان‌تر آمایش سرزمین و یا در چارچوب حکمرانی منطقه‌ای توجه شده است. هنگامی که آمایش آموزش عالی در چارچوب آمایش سرزمین و حکمرانی منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد، به طبع سازماندهی و نظام‌بخشی به حوزه‌های مختلف فعالیت‌های علمی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی در چارچوب امکانات و ظرفیت‌های فضایی (محیطی) و انسانی (رابطه انسان، فضا و آموزش عالی) مورد مطالعه و برنامه‌ریزی قرار خواهد گرفت. مطالعات آموزش عالی باید از ویژگی‌های مشارکت‌جویی، جامع‌نگری، هدفمندی، دورنگری، انعطاف‌پذیری، کیفی‌گرایی، و استنتاج فضایی یا جغرافیایی برخوردار باشد [۱۸]. برنامه‌های آمایش آموزش عالی ایران متأثر از فقدان تفکر نظام‌مند و نهادینه آمایش و ناهماهنگی و انسجام‌بخشی است. همچنین فقدان بنا نهادن مؤسسه‌های آموزش عالی بر نتایج مطالعات آمایش باعث شده است که دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی فاقد هویت علمی، سبک و مکتب فکری منحصر به خود باشند و همه آنها به صورت بسیار شبیه به یکدیگر در حال انجام کارهایی کاملاً مشابه‌اند. این نوع دانشگاه‌ها که به طور عمده با ساختارهای تقلیدی شکل گرفته‌اند بیشتر سازمان اداری و دیوان‌سالارند تا سازمانی علمی. در نتیجه یکسان‌نگری به حوزه‌های مختلف علمی و نیز دانشگاه‌های مناطق مختلف کشور، امروزه با رشد کمی و صوری در تولید علم (آن هم با تعریف محدودی از علم با شاخص تعداد مقاله‌های بیشتر خارجی) مواجه‌ایم. تولید علمی که چندان ارتباطی با فضا (محیط) و انسان‌هایی که در آن فضا زندگی می‌کنند هم ندارد. در بسیاری از حوزه‌های مختلف

اجتماعی، اقتصادی، فنی و حتی علمی جامعه محلی ما با مشکلاتی پیش پا افتاده دست و پنجه نرم می‌کند در حالی که دانشمندان و متخصصان در دانشگاه‌های همان منطقه در حال تدوین مقاله‌هایی در سطح استانداردهای پژوهشی جهانی‌اند. این موارد فقط بخشی از آسیب‌های مطالعات آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی در کشور است که مبتنی بر مطالعات انجام شده در این زمینه استخراج شد. آنچه به عنوان نکته محوری مطرح است اینکه حکمرانی منطقه‌ای آموزش عالی باید بر نتایج مطالعات آمایش آموزش عالی مبتنی باشد. اما مطالعات آمایشی که به شیوه علمی، اصولی، مستقلانه، مشارکت‌جویانه، جامع‌نگر، هدفمند، دورنگر، و مبتنی بر ظرفیت‌های فضایی یا جغرافیایی انجام شده باشد.

نتیجه‌گیری

آموزش عالی ایران طی دهه‌های اخیر از رشد کمی قابل توجهی برخوردار بوده است. اما این افزایش بی‌رویه ظرفیت آموزش عالی کشور و پراکندگی جغرافیایی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و در نتیجه آن افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان به ویژه در علوم انسانی و از طرفی رکود در بازار کار، ضرورت توجه هرچه بیشتر به مقوله آمایش و حکمرانی منطقه‌ای آموزش عالی را بیش از پیش نمایان کرده است. به نظر می‌رسد به منظور بهبود حکمرانی منطقه‌ای مطلوب و توسعه متوازن و پایدار آموزش عالی در کشور ابتدا باید مطالعات آمایش آموزش عالی را به شیوه‌ای اصولی، نظام‌مند و روشمند انجام داد. مبتنی بر آموزه‌های حکمرانی منطقه‌ای و آمایش، نیاز است که ابتدا مزیت نسبی هر منطقه از نظر جغرافیایی، اقتصادی، صنعتی، جمعیتی و فرهنگی شناخته شود و سپس در زمینه توسعه آموزش عالی آن منطقه متناسب با ظرفیت‌های محیطی تصمیم‌گیری شود. اما مطالعات آمایش آموزش عالی ایران طی سال‌های گذشته همواره از آسیب‌های جدی برخوردار بوده است. این آسیب‌ها باعث شده است که نتایج این مطالعات هیچ‌گاه نتواند مبنایی برای برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی در کشور قرار گیرد. مهم‌ترین آسیب‌های مطالعات آمایش آموزش عالی در ایران را می‌توان شامل ضعف در مبانی نظری و تحلیلی، فقدان

تفسیر و خواست تصمیم‌گیرندگان از عالی‌ترین سطوح اجرایی تا سطح مدیران منطقه‌ای و محلی قرار دارد. این امر باعث شده است که بیش از ۷۰ سال سابقه برنامه‌ریزی در کشور و همچنین ۵۰ سال تجربه و تلاش برای نهادینه‌سازی ساختن رویکرد آمایشی و مطالعات منطقه‌ای هنوز نتوانسته است به وفاقی ملی و سازوکارهایی نهادی و قانونی برای حکمرانی منطقه‌ای منجر شود. نیاز کشور به تربیت نیروی متخصص و متعهد برای پیشبرد اهداف سند چشم‌انداز کشور، ضرورت توجه بیشتر به مزیت نسبی هر یک از مناطق جغرافیایی کشور در چارچوب اجرای طرح‌های آمایش در حوزه آموزش عالی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. اما انجام مطالعات آمایش آموزشی عالی نیازمند بازاندیشی و بازسازی مجدد در زمینه طراحی، مطالعه و اجرا است. مطالعات آمایش آموزش عالی چنانچه به طور اساسی و با رعایت استلزام‌های آن طراحی و اجرا شود می‌تواند نقش مهمی در توسعه کمی و کیفی آموزش عالی منطقه‌ای و ملی، مأموریت‌گرایی در رشته‌ها و تحقیقات دانشگاهی، استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای داشته باشد. توسعه متوازن آموزش عالی ضمن فراهم آوردن زمینه‌های توسعه علمی پایدار در کشور، خود نقش مهمی در بهبود حکمرانی منطقه‌ای دارد.

تخصص‌گرایی در انجام این مطالعات، غلبه منافع محلی و منطقه‌ای بر این مطالعات، و نبود چارچوب عملی مناسب برای طراحی و اجرای این مطالعات برشمرده. این چالش‌ها تحت تأثیر عوامل و محدودیت‌های ناشی از عوامل مدیریتی و سیاسی، شکاف نظریه و عمل، ضعف نظارت و ارزیابی، بخشی‌نگری در آموزش عالی و فقدان نهادی تخصصی و ملی برای آمایش آموزش عالی است. نتیجه این فرایند باعث شده است که گزارش‌های آمایش آموزش عالی و نیز برنامه‌های راهبردی تدوین شده در دانشگاه‌های کشور ما توجهی به مزیت رقابتی منطقه‌ای دانشگاه‌ها نداشته باشند. این گزارش‌ها بسیار شبیه به همدیگرند و از آنجا که فاقد هر گونه نوآوری، مزیت‌گرایی و توجه به ظرفیت‌های منطقه‌ای‌اند، نتوانسته‌اند تغییر مهمی را در روند وضعیت توسعه آموزش عالی کشور ایجاد کنند. به نظر می‌رسد که در راستای توجه به مزیت‌های منطقه‌ای و استفاده از فرصت‌های محیطی در اولین گام باید فرایند طراحی، اجرا و استمرار مطالعات آمایش آموزش عالی مورد بازنگری جدی قرار گیرد.

به دلیل وضع سنتی تصمیم‌گیری در نظام‌های اداری ایران که به طور کلی از ساختار سلسله‌مراتبی متأثر از نظام دیوان سالارانه پیروی می‌کند، رابطه نتایج حاصل از آمایش با سیاست‌های حکمرانی و توسعه آموزش عالی تحت نفوذ،

References

منابع

- [1] Goedet M. & Neuwirth J. Good governance and confidentiality: a matter of the preservation of the public sphere, *Corporate Governance*. (2014); 14 (4): 543-554.
- [2] UNIDO. *Technology Foresight*. 2010; Austria: Vienna International Centre.
- [3] Kaufmann D. *Rethinking governance: empirical lessons challenge orthodoxy*. Washington, D.C: The World Bank; 2003.
- [4] Asghari HA, Qasemi H. & Keshavarz Turk, A. The Institutional Pattern of Regional Strategic Forecasting in the Islamic Republic of Iran Governing System. (Persian). *Rahbord Quarterly*. 2017; 26 (84): 37-57.
- [5] Fanni Z, Karimi, Aram & Sharifi, R. Exploring the Concept of Spatial Planning and the Pathology of Its Realization in the Development Plans in Iran. (Persian). *Quarterly Modern Research in Geographical Sciences, Architecture and Urban Planning*. 2018; 13: 196-220.
- [6] Mohammadi Y, Moghbel Baarz A. & Bagheri Moghadam N. A Functional Analysis Framework for Regional Innovation System in Developing Countries. (Persian). *Journal of Technology Development Management*. 2019; 7 (2): 43-87.
- [7] Andalib A. & Matuf S. Development and Security in Spatial Planning of Iranian Border Areas. (Persian). *Bagh Nazar Quarterly*. 2009; 12 (6): 57-75.

- [8] Faraji Dana A. Spatial Planning and Integrated Spatial Development. (Persian). Economic Research Quarterly. 1992; 45: 1-24.
- [9] Vahidi P. Spatial Planning: A Guide to Higher Education Planning. (Persian). Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education. 1994; 7 & 8: 104-75.
- [10] Samari J. & Geraenegad, Gh. A Perspective to Higher Education Planning in Spatial Planning: A Guide to Academic Development. (Persian). Iranian Journal of Higher Education Quarterly. 2013; 5 (3): 117-142.
- [11] Entezari Y. Sixty years of higher education, research and science in Iran. (Persian). Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education; 2009.
- [12] Mehrali Zadeh Y. [Investigating the Developments of Iranian Society on the Status and Role of University and Student in Development of Iran (Persian)]. Proceedings of the Second National Conference of University and Student Society. 2009; University of Isfahan, Iran.
- [13] Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. [Comprehensive Scientific Map of Iran (Persian)]. Tehran: Publications of the Supreme Council of Cultural Revolution; 2011.
- [14] Ahanchian MR & Mohammadzadeh Ghamsar A. [Lessons for Designing and Implementing an Education Development Program: Reviewing the Experiences of Iranian Higher Education Spatial Planning 2010-2011 (Persian)]. First National Conference on Education in Iran 1404; Science, Technology and Industry Policy Research Institute. 2011; Tehran, Iran.
- [15] Sarvar R. & Khaliji MA. [The Pathology of Spatial Planning in Iran (Persian)]. Proceedings of the First National Conference on New Approaches to Spatial Planning in Iran. 26-27 September 2014; Tehran, Iran.
- [16] Planning and Budget Organization [Studies of the Baseline Planning Studies of Iran (Persian)]. Tehran: Office of Regional Planning; 1984.
- [17] Ahanchian MR. Higher Education Spatial Planning and the Science and Technology Development Policies in Iran: A Gap Analysis Based on Experience. (Persian). Science and Technology Policy Quarterly. 2012; 5 (1): 73-86.
- [18] Mehraliizadeh Y. Kurd Zanganeh, A. & Homayounia A. The Pathology of Iranian Higher Education Spatial Planning: An Analysis of Higher Education Spatial Planning Experiences Before and After the Islamic Revolution. (Persian). Journal of the Iranian Higher Education Association. 2012; 5 (1): 133-93.
- [19] Ameri R. [Higher Education Spatial Planning Scheme. (Persian)]. International Conference on Higher Education Spatial Planning. 27-28 May 2012; Mazandaran, Iran.
- [20] Maroufi Y. Abdi A. & Nazari A. [Spatial Planning and its role in the development of higher education (Persian)]. First Education Conference in Iran 1404, Science, Technology and Industry Policy Research Institute. 13-14 March 2011; Tehran, Iran.